

بررسی کارکرد جوایز ادبی با مروری بر چندرمان برگزیده «جایزه جلال»

# تقدیر جلالی!

حسام آبنوس

روزنامه‌نگار

یکی از کارکردهایی که برای جوایز ادبی در جهان در نظر می‌گیرند، حمایت از نوع ادبی است. هر جایزه‌ای با توجه به اهدافی که برای خودش در نظر می‌گیرد، اثری را می‌گزیند و با حمایت‌های مختلف آن کتاب را به مخاطبان معرفی می‌کند. آثار بسیاری را می‌توان نام برد که پس از برگزیده شدن در يك جایزه ادبی، سرو صدای بسیاری را در جهان ایجاد کرده‌اند. حتی گاهی برگزیده شدن يك کتاب از يك نویسنده، نام آن نویسنده را بر سر زبان‌ها انداخته و او را از فراموشی خارج کرده است. برای این حرف می‌توان مصادیق بسیاری برشمرد که يك جایزه، نویسنده و کتاب‌هایش را در کانون توجه قرار داده است. حال با این توصیف‌ها باید گفت آنچه انتظار می‌رود این است که جوایز ادبی در ایران نیز همین کارکرد را داشته باشند، ولی آنچه در عمل اتفاق می‌افتد بیشتر شبیه رفیق بازی ادبی بوده و انتخاب‌ها محفلی است. انتخاب‌ها در ایران به جای این که زمینه دیده شدن و خوانده شدن آثار يك نویسنده را فراهم کنند، تنها يك نمایش ادبی است. این اتفاق چپ و راست هم ندارد و در اغلب جوایز شاهد این اتفاق هستیم که يك جایزه تأثیر چندانی در مسیر ادبی نویسنده و آثارش ندارد. احتمالاً اگر به ذهنتان خیلی فشار بیاورید، بتوانید یکی دو کاری که در جوایز ادبی برگزیده شدند و این برگزیده شدن مسیر حرکت رو به جلوی اثر و نویسنده را فراهم کردند به خاطر بیاورید، ولی در اغلب موارد حتی یادمان نمی‌ماند کدام کار در ادوار جوایز ادبی برگزیده و تقدیر شده است. جایزه ادبی جلال آل احمد که جایزه ملی و دولتی است چند روز پیش دوازدهمین دوره‌اش برگزار شد، جایزه‌ای که به نظر می‌رسد نکات بالا درباره‌اش صادق است و کارهایی که در آن طی دوره‌های مختلف برگزیده شده‌اند، از نگاه ناظران چندان با اقبال روبه‌رو نشده‌اند که شاید دلیل آن را در اعتماد مخاطبان به آن باید جست. حتی جوایز شبه خصوصی روشنفکری و غیر آن نیز در این دسته قرار دارند و می‌توانید مرور کنید کدام کار در آنها برگزیده شده و بعد از آن درباره نویسنده و آثارش در میان مخاطبان سخن گفته شده است. در ادامه مروری بر برخی آثاری که طی سال‌های اخیر در جایزه جلال برگزیده شده‌اند، کرده‌ایم تا شاید قبول کنید که نام برخی از آثار حتی به گوش‌تان نخورده است.

## بی‌کتابی

محمدرضا شرفی خوشان در سال ۹۶ به عنوان نویسنده این اثر برگزیده و معرفی شد. رمانی متفاوت که بسیاری از مخاطبان به آن واکنش مثبت نشان دادند که بخشی از این واکنش‌ها پیش از برگزیده شدن این اثر بود. با این حال برگزیده شدن آن در يك جایزه ادبی نتوانست تأثیری در روند فروش و دیده شدن نویسنده‌اش بگذارد، زیرا شرفی خوشان به اندازه کافی به عنوان يك نویسنده که حرف‌هایی برای گفتن دارد، شناخته شده بود و برگزیده شدن در جایزه جلال تأثیری در مسیر او نداشت. این رمان که در روزگار قاجار می‌گذرد خواننده را به سفری در تاریخ می‌برد.

## این خیابان سرعت گیر ندارد

مریم جهانی در سال ۹۶ بابت این رمان به صورت مشترک با محمدرضا شرفی خوشان برگزیده بخش رمان و داستان بلند شد. رمان او به خاطر خلق موقعیت نو و توجه به زندگی روزمره شخصیتی که کمتر در ادبیات معاصر به آن پرداخته شده، همراه با داستانی گیرا و قصه‌گویی مناسب و استفاده از خرده‌روایت‌ها برای ساخت شخصیت‌های داستان مورد توجه داوران قرار گرفت و توانست در بین برگزیده‌های این جایزه قرار بگیرد. برگزیده شدن در دهمین دوره جایزه جلال آل احمد تأثیر زیادی بر رمان جهانی نداشت و طبق آمار خانه کتاب این رمان به چاپ سوم در هر چاپ يك هزار نسخه رسیده که این یعنی هیچ!

## لم یزرع

محمدرضا بایرامی، نویسنده با سابقه و شناخته شده ادبیات داستانی است که در فضای جنگ یکی از نام‌های مشهور در ادبیات داستانی ایران است. او با آثار متعدّدش یکی از نویسنده‌های پرکار ایران محسوب می‌شود که سال ۹۵ در نهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد اثرش برگزیده شد، اثری که در روزگار صدام حسین اتفاق می‌افتد و یکی از آثار متفاوت در زمینه جنگ تمحیلی است. اما این اثر با وجود برگزیده شدن در جایزه جلال آل احمد، کتاب سال جمهوری اسلامی و جایزه شهید حبیب‌غنی پور و با گذشت سه سال از انتشارش از پله سوم چاپ بالاتر نرفته است. این موقعیتی است که دیگر آثار بایرامی که جایزه هم نبرده‌اند، در آن قرار دارد و می‌توان نتیجه گرفت که جوایز تأثیری در نگاه مخاطب نداشت، در حالی که پس از برگزیده شدن رمان بایرامی، نقدهای مثبت و منفی بسیاری حول آن مطرح شد، اما در بر همان پاشنه برای آثار بایرامی چرخیده و روال طبیعی راطی کرده است.

## دختر لوتی

این رمان در کنار رمان «پاییز فصل آخر سال است» در سال ۹۴ به عنوان رمان برگزیده در هشتمین دوره معرفی شد؛

رمانی که در شهرستان پلدختر می‌گذرد و قصه‌ای از روزگار جنگ را بازگو می‌کند. شهریار عباسی که خود داوری و دبیری جایزه جلال آل احمد را نیز برعهده داشته در این رمان کم حجم خواننده را به فضایی کوهستانی می‌برد. این رمان با وجود برگزیده شدن در این جایزه، مورد اقبال واقع نشده و با گذشت پنج سال از انتشار و چهار سال پس از برگزیده شدن از چاپ دوم فراتر نرفته و این به معنای این است که يك جایزه ادبی نتوانسته نظر مخاطبان را نسبت به این کتاب عوض کند. هرچند رمان دیگری که با «دختر لوتی» برگزیده شد به چاپ‌های متعدد رسید که بسیاری معتقدند این اقبال بی‌ارتباط با جایزه‌ای است که به رمان مرعشی تعلق گرفت.

## آه باشین

دومین جلد از سه‌گانه محمدکاظم مزینانی در هفتمین دوره جایزه جلال آل احمد با رمان «ملکان عذاب» به صورت مشترک برگزیده شد؛ رمانی که قصه‌ای از چند نسل را بازگو می‌کند که هرکدام سرگذشتی دارد، ولی این رمان هم نتوانسته به چاپ‌های متعدد برسد. چاپ پنجم این رمان در سال ۹۸ روانه کتابفروشی‌ها شده است. این را باید در کنار جشنواره‌ای قرار داد که ناشر کتاب برایش برگزار کرد و این نیز عامل دیگری برای فروش کتاب بود وگرنه جایزه اتفاق ویژه‌ای برای کتاب رقم نزد. این در حالی است که بسیاری از آثار ترجمه‌ای بدون تبلیغات و برگزیده شدن در جوایز ادبی به چاپ‌های متعدد می‌رسند که باید علت آن را در اعتماد مخاطب جست‌وجو کرد.

## ملکان عذاب

رمان ابوتراب خسروی در هفتمین دوره این جایزه که در سال ۹۳ برگزار شد، یکی از برگزیده‌های بخش رمان بود. اثری که طی سال‌های پس از برگزاری، چند ناشر عوض کرده ولی این تغییر ناشر سبب نشد که اثر توسط مخاطبان خوانده شود. هرچند در محافل ادبی این اثر دیده شده، ولی دامنه آن به میان جامعه کشیده نشد و از جوایز ادبی انتظار می‌رود کتابی را به میان مخاطبان عمومی بکشاند، در غیر این صورت احتمالاً محافل ادبی به آثار ابوتراب خسروی واکنش نشان می‌دادند و بردن یا نبردن يك جایزه برای جمع‌های ادبی تفاوتی ندارد.